

توجیهی برای وجود یا نیاز به بهره ارائه نمی‌دهد، منطق‌های متعددی برای تحریم بهره ارائه کرده‌اند. افزون بر آنکه بهره با مفهوم و فکر اسلامی حقوق مالکیت ناسازگار است. (چپرا ۱۹۸۲؛ صدیقی ۱۹۸۳؛ احمد ۱۹۸۴؛ خان و میراخور ۱۹۸۹).

۱. توسعه بانک‌های اسلامی

هر چند به نظر می‌رسد محدودیت استفاده از بهره یک محدودیت الزام‌آور باشد. ولی در واقع بانک‌های اسلامی و نهادهای مالی، به‌ویژه از اواسط دهه ۱۹۷۰ به سرعت رشد کردند. در حال حاضر حدود ۴۵ کشور که بیشتر جهان اسلام را شامل می‌شود دارای نوعی از نهاد مالی اسلامی هستند. گسترش بانکداری اسلامی اساساً به دو شیوه شکل گرفته است.

اول، تلاش جهت تأسیس نهادهای مالی اسلامی در کنار بانک‌های سنتی. در این‌گونه تلاش‌ها، انواع نهادهایی که تأسیس شده‌اند شامل بانک‌های اسلامی که اغلب در کشورهای اسلامی تأسیس شده‌اند و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و شرکت‌های اسلامی دارنده سهام سایر شرکت‌ها که در برخی از کشورهای اسلامی فعالیت دارند ولی غالباً در کشورهای غیراسلامی فعالیت می‌کنند.

در دو حالت، عموماً عملیات بانکداری مشروط به مقرراتی است که در تمامی بانک‌ها به کار برده می‌شود مثال‌هایی از بانک‌های اسلامی در کشورهای مسلمان عبارت‌اند از بانک اسلامی فیصل در بحرین، بانک‌های اسلامی فیصل در مصر و سودان، بانک اسلامی دبی، بانک اسلامی قطر و بانک اسلامی اردن.

مثال‌هایی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری که دارای اختیارات ملی پایین یا بین‌المللی هستند عبارت‌اند از دارالامال الاسلامی (ژنو)، البرکه بین‌المللی یا مسؤلیت محدود (لندن)، شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی (باهاما). و شرکت الراجی برای سرمایه‌گذاری اسلامی با مسؤلیت محدود (لندن). نهادهای بین‌المللی یاد شده که عموماً دارای مالکیت خصوصی هستند برای جذب سپرده - بدون پرداخت بهره - با بانک‌های مرسوم رقابت می‌کنند و این وجوه را در هر جا که فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآوری بیابند، سرمایه‌گذاری می‌کنند. دومین شکلی که توسعه بانکداری اسلامی به‌خود گرفته است با ساختاردهی دوباره کل نظام مالی طبق مفاهیم اسلامی سر و کار دارد. دو کشوری که انتقال یاد شده در نظام مالی‌شان تحقق یافته است، ایران و پاکستان هستند. در ایران تمامی بانک‌ها براساس قانون اسلامی فعالیت می‌کنند در حالی که در پاکستان، تنها بانک‌های خارجی از محدودیت معاملات مبتنی بر بهره استثناء هستند. (خان و میراخور ۱۹۹۰)

۲. عملیات بانک‌های اسلامی: همان‌گونه که توسط خان و میراخور (۱۹۸۹) مطرح شده است، اضافه بر سهام و سرمایه خود

بانکداری اسلامی*

دکتر سید حسین میر جیلانی

استاد و یار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اسلام ممنوعیت مطلق پرداخت و دریافت بهره (اصطلاح عربی آن ریاست) وجود دارد. این تحریم (ممنوعیت) است که بانکداری اسلامی را به‌طور اساسی از نظام بانکداری سنتی متفاوت می‌سازد. از آن‌جا که راه استفاده از نرخ بهره در معاملات مالی مسدود شده است، بانک‌های اسلامی می‌توانند تنها بر مبنای مقررات (ترتیبات) سهم‌بری در سود یا سایر روش‌های تأمین مالی مجاز بر اساس قانون اسلامی (شریعت) به فعالیت بپردازند.

از نظر فنی، "ربا" اشاره به اضافه کردن مبلغی به اصل وام براساس مدت و مبلغ وام است. از دیدگاه حقوقی ربا به معنای، پول اضافی است که در معاملات پول با پول یا کالای اضافی است که در عملیات مبادله کالا به کالا دریافت می‌شود. در حالی که، اوایل بحثی وجود داشت مبنی بر این‌که آیا ربا اشاره به بهره است یا ربا، ظاهراً اکنون اجماع نظری میان محققان اسلامی وجود دارد که اصطلاح ربا شامل تمامی شکل‌های بهره است و میان نرخ‌های اسمی و واقعی بهره هیچ‌گونه تمایزی وجود ندارد. منابع اساسی اسلام از جمله قرآن و سنت تبیین تفصیلی از تحریم بهره ارائه نمی‌دهند. جز آن‌که به‌طور آکزیوماتیک (براساس اصول بدیهی) تأکید می‌کند که دریافت بهره کاری غیرعادلانه است و به همین جهت ممنوع شده است.

در هر حال اقتصاددانان معاصر مسلمان، با تمسک به پیامدهای زیان‌آور متصور برای وجود بهره در جامعه‌های نوین یا با تأکید بر این که بهره، استثماری است یا با این استدلال که نظریه نوین اقتصادی

بانک، بانک‌های اسلامی به دو منبع اصلی وجوه متکی هستند: سپرده‌های معاملاتی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری. سپرده‌های معاملاتی می‌تواند به‌عنوان معادل سپرده‌های دیداری در نظام بانکداری مرسوم به حساب آید. هر چند بانک اسلامی، ارزش اسمی سپرده معاملاتی را تضمین می‌کند، ولی هیچ بازدهی به آن تعلق نمی‌گیرد. به‌طور کلی وجوه تجهیز شده از طریق سپرده‌های معاملاتی نمی‌تواند برای سرمایه‌گذاری سودآور توسط بانک‌ها استفاده شود. البته بانک‌ها می‌توانند کارمزد برای نگهداری سپرده‌های معاملاتی وضع کنند تا هزینه عملیات این نوع حساب‌ها پوشش داده شود.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری - که حساب‌های سود و زیان نیز نامیده می‌شود - منبع اصلی وجوه برای بانک‌ها را تشکیل می‌دهند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری شباهت بیشتری با سهام یک شرکت دارد تا سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار مشتریان. بانک‌های اسلامی ارزش اسمی سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تضمین نکرده و نرخ ثابت بازدهی پرداخت نمی‌کنند. در عوض سپرده‌گذاران همانند سهامداران قلمداد می‌شوند (همان‌طور که به‌عنوان مثال سپرده‌گذاران در صندوق‌های تعاونی یا تراست سرمایه‌گذاری، سهامدار هستند) و بنابراین صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌های اسلامی در سهمی از سود یا زیان بانک شریک هستند. نسبت سهم‌بری باید پیش از انجام معامله میان بانک‌ها و سپرده‌گذاران مورد توافق قرار گیرد و تا زمان سررسید معامله نمی‌تواند تغییر کند مگر با توافق طرفین.

در طرف وام‌دهی، بانک‌های اسلامی لازم است همان اصول سهم‌بری در سود و زیان را به کار برند. دو شیوه‌ای که موازین اسلامی در زمینه وام‌ها را رعایت می‌کند مقررات مضاربه و مشارکت است. در هر دو حالت، وام‌دهندگان در سود و زیان سهم هستند. تفاوت اصلی میان دو عقد مضاربه و مشارکت این است که در مضاربه، تأمین‌کننده منابع مالی مجاز نیست که نقشی در مدیریت شرکت داشته باشد، در حالی که در معاملات مشارکت، تمامی طرفین حق مشارکت در تصمیم‌گیری مدیریتی را دارند. در مواردی که سهم‌بری در سود - زیان نمی‌تواند به مرحله اجرا درآید، سایر ابزارهای جایگزین برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در اختیار بانک‌ها هستند. سایر روش‌های تأمین مالی عبارت‌اند از: فروش با پرداخت معوق یا مرابحه، خرید - اجاره، قرض‌الحسنه^۱ (با نرخ صفر) و اخذ کارمزد وام می‌باشند.

در حالی که ترتیب‌های سهم‌بری در سود، ترجیح داده می‌شود، در عین حال حقوق اسلامی سایر شیوه‌های تأمین مالی را نیز مجاز می‌داند.

۳. جنبه‌های تحلیلی بانکداری اسلامی: جایگزینی
بانکداری مبتنی بر بهره به‌وسیله نظام جایگزینی که در وهله نخست متکی به ترتیب‌های سهم‌بری در سود است، تعدادی از پرسش‌های

نظری را مطرح می‌سازد. پرسش اصلی این است که آیا بانکداری اسلامی قابل دوام است؟

در سال‌های اخیر برخی مطالعات انجام شده، چارچوب اساسی بانکداری را به‌صورت مفهومی در آورده‌اند (خان و میراخور ۱۹۸۷). این مطالعات نشان داده‌اند که یک نظام مبتنی بر سهام یعنی همان بانکداری اسلامی هست. می‌تواند دست کم به‌همان کپی‌رایزی و مؤثر بودن نظام مبتنی بر بدهی کار کند. به این ترتیب، نبود بهره مانع کارکرد یک بانک اسلامی نمی‌شود. افزون بر آن نتیجه جالبی که از الگوی تحلیلی توسعه داده شده توسط خان (۱۹۸۶) به‌دست می‌آید این است که در مقابل تکان‌هایی (شوگ‌هایی) که می‌تواند منجر به بحران بانکداری شود، در مقایسه با بانکداری مرسوم، بانک اسلامی بهتر می‌تواند خود را تعدیل کند.

دلیلش این است که در یک نظام بانکی مبتنی بر سهام تکان‌های وارد شده به دارایی بانک بلافاصله با تغییر ارزش اسمی سهام سپرده‌ها، توسط بانک تضمین می‌شود یک تکان زیان‌بار به دارایی‌های بانک می‌تواند واگرایی میان ارزش واقعی دارایی‌ها و بدهی‌های بانک ایجاد کند - و احتمالاً منجر به ارزش خالص منفی برای بانک شود - روشن نیست که چگونه این نبود تعادل تصحیح خواهد شد و روشن نیست که فرایند تعدیل چه مدت به‌طول خواهد انجامید.

در مورد سیاست پولی، بانک مرکزی توانایی تعیین نرخ‌های بازدهی مالی در نظام بانکداری اسلامی را از دست می‌دهد. با وجود این آثار نظری نشان داده‌اند که روش‌های غیرمستقیم از طریق کنترل اعتبار گسترش یافته توسط بانک‌ها، تغییرات ذخیره قانونی و تغییر نسبت‌های سهم‌بری در سود می‌تواند برای سیاست پولی به‌نتایجی دست یابد که مشابه نتایج نظام مرسوم مبتنی بر بهره باشد. این مطلب هم برای حالت یک اقتصاد بسته درست است (خان و میراخور ۱۹۸۹) و هم برای حالت واقعی تر یک اقتصاد باز (میراخور و زیدی ۱۹۹۱).

۴. آینده بانکداری اسلامی: نظریه و عمل هر دو نشان
می‌دهند که بانکداری اسلامی دارای ماهیتی بادوام است. با وجود این بانکداری اسلامی با موانع و مشکلات مهمی مواجه است که اگر بخواهد پیشرفت بیشتری داشته باشد باید بر این مشکلات غلبه کند. مهم‌ترین موانع و مشکلات بانکداری اسلامی عبارت‌اند از:

اول، هر چند تأسیس نظامی بانکی که در آن به سپرده‌ها بهره پرداخت نشود به‌نسبت آسان بوده است، اما بانکداری اسلامی در کاربرد صحیح مقررات سهم‌بری در سود در طرف وام‌دهی با مشکلات جدی مواجه است. تاکنون امکان‌پذیر نبوده است نظامی از قراردادهای میان وام‌دهنده (بانک) و قرض‌گیرنده برقرار شود که هزینه‌ها را، در سطحی معقول کنترل کند؛ و موضوعات خطر اخلاقی را حذف کند. خطر اخلاقی هنگامی به‌وجود می‌آید که وام‌دهنده (بانک) و

سرمایه گذار دارای اطلاعات نامتقارن درباره سود سرمایه گذاری باشند. به همین جهت بانک‌های اسلامی تا حد زیادی در وهله نخست متکی به عملیات اجاره و مرابحه هستند. این به آن معنا است که بیشتر پرتفوی بانک‌های اسلامی در دارایی‌های کوتاه‌مدت تجاری متمرکز شده است. این تأکید بر تأمین مالی کوتاه‌مدت دارای تأثیر زیان بار بر سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی است (Pryor ۱۹۸۵).

دوم، نبود دارایی‌های مناسب درازمدت که در اختیار بانک‌های اسلامی باشد در نبود ابزارهای مالی بسیار کوتاه‌مدت بازتاب یافته است. در حال حاضر هیچ معادلی برای بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی وجود ندارد که بانک‌ها بتوانند مثلاً وجوه یک شبه را نگهداری کنند یا این‌که بتوانند جهت پاسخ‌گویی به نیازهای موقتی نقدینگی، آن را قرض کنند. روشن است که خلق ابزارها و ساختار سررسید ابزارهای مالی در دو طرف دارایی و بدهی در موقعیت نبود مزیت ستمایزی نسبت به بانک‌های مرسوم قرار خواهند داشت.

سوم، وقتی بانک مرکزی فقط با بانک‌های اسلامی سروکار دارد می‌تواند نقش خود را در تنظیم بانکداری و معاملات مالی به خوبی انجام دهد، اما وقتی بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های ربوی، مرسوم فعالیت می‌کنند، بانک مرکزی در تنظیم بانکداری و معاملات مالی با مسائلی مواجه می‌شود. برخی از این مسائل عبارت‌اند از: آیا بانک‌های اسلامی باید ذخایر قانونی مشابه ذخایر قانونی بانک‌های با بهره‌نگهداری نمایند؟ آیا بانک‌های اسلامی ذاتاً کم و بیش مخاطره‌پذیرتر از بانک‌های سنتی ربوی هستند؟

چگونه بانک مرکزی می‌تواند عملیات بازار باز را با اوراق بهاداری که میزان بهره پرداخت نمی‌کند، هدایت کند؟ این پرسش‌ها برای کارکرد کارایی بانکداری اسلامی، بی‌نهایت اهمیت دارد و لازم است حل شود. چهارم، موضوع مهم دیگر که بانک‌های اسلامی با آن مواجه‌اند این است که چگونه روابطشان را با بانک‌های خارجی سازمان‌دهی کنند و عمومی‌تر از آن این‌که چگونه عملیات بین‌المللی را انجام دهند. البته این موضوعی است که ارتباط نزدیکی با خلق ابزارهای مالی دارد که هم با اصول اسلامی سازگار باشد و هم برای بانک‌های مبتنی بر بهره (شامل بانک‌های خارجی) قابل قبول باشد.

سرانجام پنجم، این‌که بانک‌های اسلامی با کمبود جدی کارکنان آموزش دیده برای انجام عملیات بانکداری بدون بهره مواجه‌اند. حتی اگر کارکنان آموزش دیده بانک‌های بدون بهره طی چند سال عملکرد افزایش یافته باشد، ولی در عین حال گسترش بیشتر بانک‌های اسلامی - در مقیاسی که تاکنون مشاهده شده است - به سرعت با محدودیت‌های یاد شده مواجه خواهد شد. نه تنها بانک‌های اسلامی به مدیران مجرب نیازمندند بلکه هم اکنون دارای نیاز ویژه‌ای به متخصصان سرمایه‌گذاری و تأمین مالی هستند که بتوانند دامنه کاملی از ابزارهای مالی - که بانک‌های اسلامی برای رقابت با بانک‌های مرسوم به آن نیاز دارند - ایجاد کرده و توسعه دهند.

نتیجه:

گسترش سریع بانکداری اسلامی طی دهه گذشته نشان داده است که بازار بزرگی برای خدمات و فعالیت‌های بانک‌های اسلامی وجود دارد. بانک‌های اسلامی به روشنی جایگاه خود را یافته‌اند و به‌طور مناسبی از آن بهره‌برداری می‌کنند. هر چند برخی از بانک‌های اسلامی با مسائلی مانند funds در سپرده‌ها، زیان‌های بزرگ و غیره مواجه‌اند، ولی به‌طور کلی بانک‌های اسلامی عملکرد خوبی داشته‌اند. البته در موارد متعددی مسائلی که بانک‌های اسلامی با آن مواجه‌اند مشابه مسائلی است که بانک‌های مرسوم با آن دست به‌گریبان هستند. از سوی دیگر تاکنون هیچ بانک اسلامی به‌خاطر مشکلاتش با شکست مواجه نشده است. طبیعی است بانک‌های اسلامی که در اقتصاد جدید فعالیت می‌کنند، با مجموعه مسائلی خاص خودشان مواجه باشند، اما اگر بانکداری اسلامی بخواهد به سطحی دست یابد که با بانکداری مرسوم مبتنی بر بهره برابری کند، در این صورت باید به مسائل و موانع بانک‌های اسلامی پرداخت و راه حلی برای آن پیدا کرد.

مأخذ:

* این مطلب ترجمه‌ای است از منبع زیر:

Mohsin, S.Khan and Abbas Mirakhor, "Islamic Banking", in: The New Palgrave Dictionary of Money & Finance, Vol. 2, 1992. PP. 531 - 533.